

## پاییز سیاسی انقلاب‌های عربی

تدیین بسترهای شکل‌گیری بهار عربی و علل ناکامی آن

نگارخانه  
نشر نگاه معاصر

ندی الشقیفی المارینی

ترجمه‌ی سعدالله همایونی

اکرم مدنی

## فهرست

۱۱ ..... مقدمه مترجمان

۱۷ ..... مقدمه

۲۱ ..... فصل اول. نظریه‌ها و مفاهیم انقلاب

۲۱ ..... تاریخچه

۲۴ ..... مفاهیم و اصطلاحات

۲۶ ..... مفهوم انقلاب

۳۰ ..... تفاوت انقلاب، کودتا و اعتراض اجتماعی

۳۱ ..... تفاوت بین انقلاب و قیام

۳۱ ..... دین و وجوب انقلاب علیه ظلم و ستم

۳۲ ..... شواهدی برگرفته از احادیث شریف نبوی

۳۲ ..... دلایل انقلاب

۳۵ ..... مراحل انقلاب

۳۹ ..... انواع انقلاب

۴۰ ..... نظریه‌های تفسیر انقلاب در کشورهای در حال توسعه

۴۰ ..... شکل‌ها و ویژگی‌های انقلاب

۴۳ ..... نخبگان جدید پس از انقلاب

۴۷ ..... فصل دوم. مشکلات و چالش‌های پیش روی انقلاب

۴۷ ..... چگونگی غارت انقلاب‌ها

بحران تغییر در جهان عرب ..... ۴۹

دموکراسی ..... ۵۱

گذار به سوی دموکراسی ..... ۵۳

موانع پیش روی تحولات بنیادین در جهان عرب ..... ۵۶

ساختار آگاهی شرقی ..... ۵۹

مبارزه با تفکر و اندیشمندان ..... ۶۰

رابطه بین نظام‌های عربی و جوامع آنها ..... ۶۱

چالش روابط حکام عرب با جوامع خود ..... ۶۲

جمود فکری ..... ۶۴

درگیری‌ها و فتنه‌های مذهبی و فرقه‌ای ..... ۶۶

کمبود یا ضعف دموکراسی ..... ۶۷

**فصل سوم. چالش جوامع عربی با حاکمان و نخبگان** ..... ۷۱

پیشگفتار ..... ۷۱

بهار عربی: نخبگان و قدرت ..... ۷۲

نخبگان سیاسی عرب ..... ۷۶

نخبگان و توده‌ها ..... ۷۸

معایب نخبگان عرب ..... ۷۹

فروپاشی نظام‌های سیاسی عرب ..... ۸۰

عوامل شعله‌ور شدن انقلاب‌های عربی ..... ۸۵

عوامل اقتصادی ..... ۸۶

عوامل اجتماعی ..... ۸۷

عوامل سیاسی ..... ۸۸

نقش آگاهی عربی ..... ۸۸

نقش جوانان در انقلاب ..... ۸۹

آثار رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در انقلاب‌های عربی ..... ۹۹

درس‌هایی آموزنده از انقلاب‌های عربی ..... ۱۰۰

تظاهرکننده عرب کیست؟ ..... ۱۰۱

**فصل چهارم. انقلاب یاسمین در تونس** ..... ۱۰۵

مقدمه ..... ۱۰۵

کتاب *أقوم المسالك* و انقلاب ..... ۱۰۶

تونس در نگاهی گذرا ..... ۱۰۸

انقلاب یاسمین ..... ۱۱۰

انگیزه‌های انقلاب تونس ..... ۱۱۲

عوامل انقلاب تونس ..... ۱۱۴

نتایج و پیامدهای انقلاب ..... ۱۱۵

ابعاد امنیتی و سیاسی ..... ۱۱۶

ابعاد اقتصادی ..... ۱۱۸

**فصل پنجم. انقلاب مادر دنیا، مصر** ..... ۱۲۱

آغاز راه انقلاب ..... ۱۲۳

دلایل انقلاب مصر ..... ۱۲۴

دلایل اقتصادی انقلاب مصر ..... ۱۲۶

دلایل سیاسی انقلاب مصر ..... ۱۲۸

مصر بعد از انقلاب: جنبه‌های منفی و مثبت ..... ۱۳۲

تأثیر انقلاب بر سیاست خارجی مصر ..... ۱۳۷

بعد از انقلاب: توافقنامه کمپ دیوید زیر ذره‌بین ..... ۱۴۰

گزارشی پیرامون اضمحلال توافق کمپ دیوید ..... ۱۴۰

سرانجام پیمان صلح و جهش اقتصادی اسرائیل ..... ۱۴۶

سرنوشت پیمان کمپ دیوید و هزینه‌های امنیتی اسرائیل ..... ۱۴۸

نتیجه‌گیری ..... ۱۵۰

**فصل ششم. یمن و انقلاب چپاول شده** ..... ۱۵۵

یمن در نگاه کلی ..... ۱۵۵

وخامت اوضاع یمن قبل از انقلاب ..... ۱۵۶

انقلاب چپاول شده ..... ۱۶۰

دلایل عدم موفقیت انقلاب یمن ..... ۱۶۲

**فصل هفتم. انقلاب بحرین** ..... ۱۶۷

بحرین در نگاهی گذرا ..... ۱۶۷

قیام مردمی بحرین ..... ۱۶۹

مراحل انقلاب بحرین ..... ۱۷۲

دلایل انقلاب بحرین ..... ۱۷۷

جنبش‌های مخالف شیعی در بحرین ..... ۱۷۹

برجسته‌ترین شخصیت‌های مردمی شیعی در بحرین ..... ۱۸۱

دستاورد‌های انقلاب بحرین ..... ۱۸۱

نتیجه‌گیری ..... ۱۸۲

**فصل هشتم. بهار لیبی چشم‌انتظار است!** ..... ۱۸۵

دلایل و شرایط انقلاب علیه قذافی ..... ۱۸۵

افزایش خفقان مردمی ..... ۱۹۵

انقلاب ۱۷ فوریه ..... ۱۹۸

جوانب مثبت و منفی تحولات لیبی ..... ۱۹۹

**فصل نهم. سوریه: انقلاب یا توطئه** ..... ۲۰۷

نگاهی گذرا به سوریه ..... ۲۰۸

نگاهی به تاریخ سیاسی جدید سوریه: حکومت حافظ اسد ..... ۲۱۰

انتخاب بشار اسد برای دومین بار ..... ۲۱۳

اصلاحات پس از انتفاضه مردمی ..... ۲۱۳

«بهار عربی» و جنبش سوری ..... ۲۱۶

نقش عوامل خارجی در بحران سوریه ..... ۲۱۶

دوگانگی مواضع بین‌المللی نسبت به موضوع سوریه ..... ۲۱۹

مخالفتان سوری، تفکراتی عجیب و اعمالی افراط‌گرایانه ..... ۲۲۲

پدیده خشونت در انقلاب سوریه ..... ۲۲۵

کشتار کورکورانه ..... ۲۲۷

آموزش و پشتیبانی مخالفان سوری ..... ۲۲۸

سیاست ترکیه در برابر بحران سوریه ..... ۲۳۸

آتاتورکی جدید در منطقه ..... ۲۳۹

ترکیه و انقلاب‌های «بهار عربی» ..... ۲۴۱

در سطح امنیتی ..... ۲۴۳

در سطح اقتصادی ..... ۲۴۴

موضع‌گیری ترکیه نسبت به انقلاب تونس ..... ۲۴۶

موضع‌گیری ترکیه نسبت به انقلاب ۲۵ ژانویه مصر ..... ۲۴۷

موضع‌گیری ترکیه نسبت به انقلاب لیبی ..... ۲۴۸

موضع‌گیری ترکیه نسبت به انقلاب یمن ..... ۲۴۹

نتیجه‌گیری ..... ۲۴۹

## مقدمه

والتر بنیامین منتقد آلمانی در (زمستان ۱۹۳۹-۱۹۴۰) متن جنجالی خود را با عنوان «**تروهای در فلسفه تاریخ**» بیان داشت: «انقلاب نتیجه روشن پیشرفت انسان در طی زمان‌های **تعی و همگن** نیست، بلکه جهشی بیرأسا به گذشته است. انبوه آلام و رنج‌های گذشته را **سیج** می‌کند و بر ضدّ طبقه حاکم می‌شوراند».

گوستاو لوبون، اندیشمند مشهور فرانسوی، می‌گوید: «آنچه انقلاب‌ها را به وجود می‌آورد، **تراضایتیست** و اگر این نارضایتی فراگیر و انباشته شود، به جنبش، قیام و در نهایت به انقلاب **میل** خواهد شد».

ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی نیز می‌گوید: «شاید ملت‌ها از هدر رفتن منافعشان چشم‌پوشی کنند، اما در مورد جریحه‌دار شدن عزّت و غرورشان هرگز مسامحه به خرج **نمی‌دهند**».

در فصل ۱۳ مقدمه‌ی مشهور این خلدون می‌خوانیم: «هرگاه ذات پادشاه به شکوه و جلال مطلق گرایش پیدا کرد و به رفاه و آسودگی دست یافت، حکومت رو به زوال می‌رود... همانا ذات پادشاهان خوشگذرانی و عیش است، از این رو مالیات‌ها را افزایش می‌دهند و مخارجشان را بالا می‌برند... تن‌آسایی خلق و خوی آدمی را فاسد می‌سازد و به دنبال آن روح بشر به انواع بدی‌ها و پلشتی‌ها آلوده می‌شود».

«ایمانوئل کانت» حدود دویست سال پیش فریاد روشنگری سرداد که ای انسان‌ها عقل‌تان را به کار اندازید، چون شما جرأت استفاده از عقل خود را دارید. از اکنون خستگی به خود راه ندهید و در برابر تنبلی و سرنوشت سر تسلیم فرود نیاورید. حرکت کنید و بانشاط باشید و به شکل مثبت و با بصیرت به زندگی مشغول شوید. خداوند شما را به زیور عقل آراسته، پس شایسته است آن را به کار بندید.

وی بدین شکل، فلسفه روشنگری را نشان داد و اروپا را از فرمانبری ابلهانه و تقلید کورکورانه رهایی بخشید، آنها را به سوی آموزش و تکامل سوق داد و افق‌های گوناگونی را گشود، مردم را به اندیشیدن و خردورزی تشویق و خردها را برای پذیرش تفاوتی که به غنای علم و زندگی می‌انجامد، مهیا کرد.

از کانت سؤال می‌شود این روشنگری‌ها چیست؟ پاسخ می‌دهد: «این روشنگری‌ها همانا فراترفتن انسان از عجز خویش است، آن عجزی که انسان خود مسئول آن است. منظور من از عجز، ناتوانی انسان در به‌کارگیری قوه ادراک خویش بدون راهنمایی دیگران است.»

بهار انقلاب‌های عربی که اواخر سال ۲۰۱۰ در کشور تونس به بار نشست، حوادث انقلاب فرانسه را در اذهان تداعی می‌کند. همان انقلابی که حکومتی دیکتاتور را سرنگون ساخت. این انقلاب هم چنین تداعی‌کننده سخن زیبایی پیرامون انقلاب از فیلسوفی آلمانی است. وی می‌گوید: «اهمیت همدلی با انقلاب کمتر از مشارکت در آن نیست چون ابراز همبستگی با انقلاب و اشتیاق بدان به مثابه کمربندی از عشق و حمایت و حرارت شور و هیجان است که آن را در بر می‌گیرد.»

وی می‌افزاید: «همبستگی با انقلاب و همدردی با قربانیان آن مشخصه‌ای غیر قابل انکار است زیرا تمایل به پیشرفت اخلاقی در اعماق قلب انسان‌ها نهادینه شده است؛ مانند هر نوع میلی به خوبی و نفرت از بدی که در سازمان‌های فساد، زندان باستیل و قانون خوف‌انگیز پلیسی تجسم یافته است. اگرچه انقلاب در رسیدن به اهدافش موقتاً ناکام بماند، اما بذری که نشانده فراموش نمی‌شود و شعله‌ای که برافروخته به خاموشی نمی‌گراید. چه بسا ملت‌های دیگری در مکان‌های دیگر این انقلاب را به یاد آورند و دوباره این تجربه را تکرار کنند.»

حکام ظالم عرب، بذری این دروغ را در اذهان ملت‌هایشان کاشته‌اند که آنها هنوز برای آزادی نابالغند و شایستگی آن را ندارند. مردم هم به پاسخ‌های مبهم و ناعادلانه خو گرفتند. از این رو در سایه حکومت‌های مستبد، بردگی و تسلیم شدن در برابر سرنوشت به بخشی از زندگی عادی جامعه عربی مبدل شد. حکومت‌هایی که جسم و روح را با هم به تباهی می‌کشاند.

ژان ژاک روسو فیلسوف می‌گوید: «آن قدر شدید به بردگی عادت کرده‌ایم که حتی میل به رهایی از آن را از دست داده‌ایم. این بدان معناست که این بردگی نفس‌گیر در اعماق وجود ما ریشه دوانیده و گسترش یافته است. آنچنان با آن انس گرفته‌ایم که حتی بدون آن نمی‌توانیم زندگی کنیم.»

آیا این سخن در مقایسه با واقعیت‌های دیروز یا حتی امروز جهان عرب ما صدق می‌کند؟ شعارهای کسانی را در نظر بگیرید که برای فلان رهبر یا رئیس هورا می‌کشند و با عشق و علاقه به او تبریک می‌گویند و جان‌نثاری خود را اعلام می‌دارند. در صورتی که این رهبر، همان کسی است که کشت و کشتار به راه می‌اندازد و خون برادران دینی و هموطنان‌شان را می‌ریزد. این بردگی به حدی در اعماق وجودشان رخنه کرده که برای کسانی دست می‌زند که پس از مدتی آنها را خواهند کشت.

به همین منوال، ملت‌های عرب نسل اندر نسل به این بردگی تن دردادند. اما به نظر می‌رسد شعله آزادی، کاملاً خاموش نشده تا جایی که قیام‌های مردمی در چندین کشور عربی یکی پس از دیگری به صورت شگفت‌انگیزی شعله‌ور شده تا مؤید نظریه کانت پیرامون توانایی انسان در پیشرفت و تجسم آزادی و دموکراسی و حاکمیت قانون بر روی زمین باشد و نیز تا حدودی سبب کم‌رنگ شدن تصور «چسلاو میلوش» لهستانی در کتاب ذهن اسیر<sup>۱</sup> شود که ادعا داشت عقل عربی فی‌نفسه به پدیده فقدان اندیشه دچار است.

کتاب حاضر خوانشی مقدماتی است از آنچه در جهان عرب ما اتفاق افتاده و می‌افتد. از حوادث، تحولات و درگیری‌هایی خونینی که در صدد است انقلاب‌های «پاک» را از آرمان‌های اصیل مردمانش دور سازد. انقلاب‌هایی که تنها چند سالی است از تونس سرسبز به راه افتاده‌اند تا به آرمان‌های مردمی که خیابان‌های کشورشان را غرق شعارهای آزادی، استقلال، امنیت و عدالت کرده‌اند، جامه‌ی عمل ببوشانند.

لذا این کتاب خوانشی خوشبینانه و البته محتاطانه از انقلاب‌های عربی است، زیرا افراد زیادی در داخل و خارج از جهان عرب در پی نابودی امیدهای انقلابیونند، می‌خواهند آن‌ها را در نطفه خفه کنند و یا از طریق برافروختن نزاع‌های داخلی و دمیدن آتش در آن، به دنبال تضعیف و سرنگونی اهداف متعالی انقلاب‌های عربی‌اند، همچنان‌که برای تحقق اهداف خود که به طور کامل با آرمان ملت‌های «بهار عربی» در تناقض‌اند، از انجام هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند. بهاری که به زمستانی خونین، سرد و تاریک مبدل گشته است.

### پی‌نوشت

1. *the captive mind*